

تسهیلات تکلیفی و اثرات آن بر سیستم بانکی کشور

بخش دوم

سید مهرزاد میربهراری
نقل از مجله روند

باعث می‌شود که بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی منورم شود. از آنجا که خالص بدهی بخش دولتی یکی از منابع عمده پایه پولی محسوب می‌شود، افزایش بدهی بخش دولتی با فرض ثابت بودن سپرده‌های بخش دولتی، باعث متورم شدن خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و در نهایت رشد نقدینگی می‌شود (جدول شماره شانزده).

بررسی مشکلات و عوارض ناشی از تسهیلات تکلیفی می‌باشد:

مشکلات و عوارض ناشی از تسهیلات تکلیفی به طور کلی در دو گروه در رابطه با بانک مرکزی و در رابطه با بانک‌ها قابل تقسیم‌بندی می‌باشد:

۱- مشکلات و عوارض ناشی از تسهیلات در رابطه با بانک مرکزی تسهیلات تکلیف شده به بانک مرکزی

جدول شماره شانزده

خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی

(میلیارد ریال)

شرح	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی	۱۶۵۱۱/۵	۲۷۳۹۱/۱	۳۴۵۵۰/۷	۴۵۳۶۰/۸	۵۱۹۰۶/۶	۵۹۰۴۴/۸	۷۲۹۰۷/۷	۷۵۸۶۶/۹
کسرمی شود:								
- سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی	۳۷۴۱/۸	۵۴۰۷/۷	۷۲۳۱/۵	۹۸۵۷/۹	۱۳۵۶۷/۰	۲۱۴۰۴/۱	۲۱۸۶۵/۵	۲۱۸۸۶/۸
- خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی	۱۲۷۶۹/۷	۲۲۱۹۸۳/۴	۲۷۳۱۹/۲	۳۵۵۰۲/۹	۳۸۳۳۹/۶	۴۵۰۰۳/۳	۵۴۰۴۲/۵	۵۳۹۸۰/۸

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

جدول شماره هفده

سهم خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی از رشد نقدینگی

(میلیارد ریال)

شرح	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
تغییر در خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی	۵۰۷/۶	۹۲۱۳/۶	۵۳۳۵/۸	۸۱۸۳/۷	۳۸۳۶/۷	۵۶۶۴/۲	۹۰۳۸/۷	-۶۲/۴
تغییر در نقدینگی	۷۲۳۷/۶	۱۲۲۶۹/۰	۱۳۷۰۸/۹	۲۲۲۲۸/۳	۳۱۴۸۰/۴	۳۷۷۳۳/۷	۴۶۱۱۵/۲	۳۲۲۸۷/۷
رشد نقدینگی (درصد)	۲۵/۳	۳۴/۲	۲۸/۵	۳۷/۶	۳۷/۰	۱۵/۲	۱۹/۴	۲۰/۱
سهم خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی از رشد نقدینگی (درصد)	۱/۸	۲۵/۷	۱۱/۱	۱۳/۲	۴/۵	۴/۸	۶/۷	-۰/۱

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

همانطور که مشاهده می‌شود، در سال‌هایی که تغییر در خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی بیشتر افزایش داشته است، سهم آن در رشد نقدینگی نیز بیشتر بوده است، به طوری که در سال ۱۳۷۲ با ۹۲۱۳/۶ میلیارد ریال تغییر در خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، سهم بدهی بخش دولتی از رشد نقدینگی به ۲۵/۷ درصد رسیده است. ارقام جدول شماره هفده نشان می‌دهد که تا قبل از سال ۱۳۷۸، درصد قابل توجهی از رشد نقدینگی ناشی از افزایش در خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی بوده است. افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و اتکای دولت به منابع بانک مرکزی باعث رشد پول پر قدرت در اقتصاد می‌شود و هرچه پرداخت تسهیلات تکلیفی از سوی بانک مرکزی به بخش دولتی افزایش یابد، قدرت بانک مرکزی برای کنترل حجم نقدینگی و جلوگیری از افزایش بی‌رویه آن کاهش می‌یابد.

۲- مشکلات و عوارض ناشی از تسهیلات تکلیفی در رابطه با بانک‌ها

۱- ۲- تضعیف سیاست‌های پولی: تعیین سقف‌های اعتباری در قالب قوانین بودجه سنواتی و مشخص کردن نحوه تخصیص تسهیلات محدود شده در قالب سقف اعتباری،

انعطاف‌پذیری سیاست پولی را به شدت کاهش می‌دهد. ضمناً تضاد موجود بین تسهیلات تکلیفی از یک سو، و سقف اعتباری کلان تعیین شده از سوی دیگر (این مطلب قبلاً مورد اشاره واقع شد که در بسیاری از سال‌ها، سقف اعتباری تعیین شده نزدیک به و یا کمتر از مجموع تسهیلات تکلیفی بوده و لذا اجرای تکالیف بودجه‌ای به طور خودکار باعث عدول از سقف‌های اعتباری شده است) مشکل مزبور را تشدید می‌کند. با توجه به این که بانک‌ها ناچارند علاوه بر پاسخگویی به متقاضیان تسهیلات تکلیفی، به تعهدات خود در قبال مشتریان عادی نیز توجه نمایند، لذا رعایت سقف‌های اعتباری برای آنها میسر نمی‌شود. عملکرد تسهیلات اعتباری تا سال ۱۳۷۶، یعنی قبل از الغای سیاست اعمال سقف‌های اعتباری به شرح جدول شماره هجده می‌باشد.

لازم به یادآوری است که در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ به جز سقفی که در مورد تسهیلات تکلیفی مور تصویب قرار گرفته، در سایر موارد سقف اعتباری توسط مجلس شورای اسلامی تصویب نشده است، ولی بانک مرکزی بر اساس بند «ب» تبصره ۳ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ کل کشور موظف شده است که برنامه‌های اعتباری و تسهیلات نظام بانکی کشور را بر اساس میزان سپرده‌های جاری و سرمایه‌گذاری پس از کسر تعهدات و سپرده‌های قانونی به نحوی تنظیم و اجرا کند که اهداف رشد اقتصادی و مهار تورم برنامه دوم تحقق یابد. شایان ذکر است که در قانون برنامه دوم متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) ۵/۱ درصد و متوسط سالانه نرخ تورم و نقدینگی معادل ۱۲/۴ و ۱۲/۵ درصد در نظر گرفته شده بود.

۲-۲- تخصیص غیر بهینه منابع مالی: اساسی‌ترین شرط برای حداکثر بهره‌برداری از امکانات بالقوه اقتصادی، استفاده بهینه از منابع مالی کمیاب است. برای تحقق این شرط نیز ضروری است که منابع مالی ناشی از پس‌اندازهای مردم به طرح‌هایی اختصاص یابد که دارای بالاترین بازده بوده و ملاحظات اقتصادی، بالاترین اولویت را در انتخاب آنها داشته باشند. اما تسهیلات تکلیفی مجموعه‌ای از اهداف مختلف را دنبال می‌کند که لزوماً ملاحظات اقتصادی در این مجموعه از اولویت لازم برخوردار نیست. بدین ترتیب، با وجود - و احتمالاً - روند فزاینده تسهیلات تکلیفی، طبعاً نمی‌توان انتظار داشت که از منابع مالی و اقتصادی موجود کشور استفاده بهینه به عمل آید و از این طریق، اقتصاد کشور به مراحل تعادلی بالاتری دست پیدا کند.

۲-۳- اثر منفی بر مشتریان عادی بانک‌ها: با

تسهیلات تکلیفی مجموعه‌ای از اهداف مختلف را دنبال می‌کند و لزوماً ملاحظات اقتصادی در این مجموعه از اولویت برخوردار نیست.

افزایش تسهیلات تکلیفی، طبعاً مشتریان عادی بانک‌ها که سپرده‌گذاران و تأمین‌کنندگان اصلی منابع بانک‌ها هستند، به تدریج از دسترسی به تسهیلات بانکی محروم شده و این تسهیلات انحصاراً در اختیار بخش‌های خاص مورد نظر در تبصره‌های بودجه قرار می‌گیرد. بدیهی است که نتیجه طبیعی چنین وضعی هم از دست رفتن مشتریان بانک‌ها، برخورداری برخی از بخش‌ها از امتیازات انحصاری و تضعیف موقعیت رقابتی

جدول شماره هجده

مقایسه سقف‌های اعتباری و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی (افزایش در مانده)

(میلیارد ریال)

شرح	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
سقف اعتباری مصوب (کل سال)	۷۰۰۰	۶۷۰۰	۷۵۰۰	۸۸۰۰
عملکرد سیستم بانکی*	۶۶۴۳/۱	۱۰۳۸۹/۷	۱۱۳۴۰/۶	۱۲۹۱۸/۹
عدول (+) یا عدم عدول (-) از سقف اعتباری مصوب	-۳۵۶/۹	۳۶۸۹/۷	۳۸۴۰/۶	۴۱۱۸/۹

* شامل سود و درآمد سال‌های آتی مربوط به بدهی بخش غیردولتی، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز و در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ شامل بدهی بخش‌های دولتی و غیردولتی به بانک‌ها بابت مابه‌التفاوت نرخ ارز نمی‌باشد.

مأخذ: آمار دریاقتی از ادراه حسابداری کل و بودجه و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

سایر مشتریان و در عین حال، کاهش انگیزه بانک‌ها برای جمع‌آوری پس‌اندازها و سپرده‌های مردم خواهد بود. بدین ترتیب، تقاضاهای تأمین‌نشده مشتریان بانک‌ها متوجه بازار غیر متشکل پولی خواهد شد که این امر قطعاً به رشد بی‌رویه این بازار، کاهش کنترل‌های لازم بر متغیرهای پولی، افزایش بی‌رویه نرخ سود یا بهره در این بازار و احیاناً گسترش معاملات ربوی و غیرسالم منجر خواهد شد. با توجه به ضرورت کنترل نقدینگی و تورم، هرگونه فشار بر منابع مالی بانک‌ها از جانب دولت - چه به صورت مستقیم و چه از طریق هدایت منابع بانک‌ها به صورت تسهیلات تکلیفی - علی‌النهایی منجر به کاهش تسهیلات بانک‌ها به بخش‌های غیر دولتی خواهد شد و این مطلب در ادبیات اقتصادی تحت عنوان "اثر ازدحام" مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به جداول شماره چهارده و پانزده مشخص می‌شود که سهم تسهیلات تبصره‌ای از کل مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش‌های غیردولتی و دولتی در دوره ۷۸-۱۳۷۵، حدود ۲۰ درصد بوده است. این امر به معنای آن است که بانک‌ها در طول دوره فوق موظف بوده‌اند که ۲۰ درصد از مانده تسهیلات اعطایی خود به بخش‌های غیردولتی و دولتی را به تسهیلات تبصره‌ای اختصاص دهند که این امر با شدت بیشتری در رابطه با بانک‌های تخصصی صادق بوده است. البته اگر تسهیلات تکلیفی غیر تبصره‌ای را نیز در مد نظر قرار دهیم، مسأله فوق ابعاد گسترده‌تری خواهد یافت.

۲-۴- اثر منفی بر سوده‌آوری بانک‌ها: بر اساس مقررات موجود، بانک‌ها مکلفند بخش عمده‌ای از تسهیلات تکلیفی را با حداقل نرخ سود در بخش‌ها و زمینه‌های اقتصادی با اولویت دولت اعطا نمایند. حتی در مورد برخی از این تسهیلات مانند تسهیلات اعطایی به دستگاه‌های مباشر در خرید کالاهای اساسی، این نرخ به صورت ثابت و بسیار پایین‌تر از هزینه تمام شده پول برای بانک‌ها تعیین شده است. بدیهی است که تفاوت هزینه تمام شده پول و نرخ سود ترجیحی مورد نظر، زیان قابل توجهی را برای بانک در بر دارد و در نهایت باعث می‌شود که مانده سود و زیان بانک‌ها تحت تأثیر زیان ناشی از عملیات فوق‌الذکر قرار گیرد (ضمیمه شماره دو).

عواقب خطرناک زیاندهی بانک‌ها، از نظر

کاهش شدید کارایی نظام بانکی، تحمیل و انتقال زیان به سپرده‌گذاران و بودجه دولت و به ویژه کاهش اعتبار بین‌المللی بانک‌ها امری بدیهی و بی‌نیاز از توضیح است.

۵-۲- افزایش خطرپذیری (ریسک)

اختیاری بانک‌ها: برخی از متقاضیان تسهیلات تکلیفی، اعطای این گونه تسهیلات را کمک بلاعوض دولت تلقی کرده و اعتقادی به بازپرداخت آن ندارند. این امر موجب شده است که حجم قابل توجهی از مطالبات بانک‌ها از بابت این گونه تسهیلات، معوق و سررسید گذشته شود و بانک‌ها در برنامه‌ریزی صحیح منابع و مصارف وجه دچار مشکل شوند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۸، معادل ۴۱۴۷ میلیارد ریال از تسهیلات تبصره‌ای و غیرتبصره‌ای اعطایی به بخش‌های دولتی و غیردولتی، معوق و ۳۱۱۷ میلیارد ریال سررسید گذشته شده است. ارقام مربوط به مطالبات معوق و سررسید گذشته تسهیلات تبصره‌ای اعطایی به بخش‌های دولتی و غیردولتی در سال فوق به ترتیب ۷۸۲ و ۸۶۹ میلیارد ریال بوده است، این در حالی است که بخش عمده‌ای از تسهیلات تبصره‌ای پرداختی بانک‌ها به صورت اعتبارات میان‌مدت می‌باشد و تا زمانیکه طرح‌های موضوع این اعتبارات به مرحله بهره‌برداری نرسیده باشند، عملاً امکان بازپرداخت این گونه تسهیلات وجود ندارد.

۶-۲- افزایش بار بودجه‌ای دولت: گسترش سریع تسهیلات تکلیفی و بالابودن احتمال معوق ماندن این تسهیلات، همراه با تعهد دولت در مورد پرداخت یارانه سود تسهیلات تکلیفی، بار سنگین و فزاینده‌ای را بر بودجه دولت تحمیل کرده است. سود سال‌های آینده و سود و کارمزد معوق تسهیلات تکلیفی بانک‌ها که به عهده دولت می‌باشد، در پایان سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ به ترتیب برابر ۸۸۶، ۱۴۶۳، ۲۷۹۰ و ۳۶۷۰ میلیارد ریال بوده است و بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در طول دوره فوق تعهدات دولت حدود چهار برابر شده است (مأخذ: آمار دریافتی از اداره اطلاعات بانکی).

۷-۲- خارج شدن حجم زیادی از منابع

مالی بانک‌ها از دسترس آنها: پرداخت اعتبارات مربوط به سرمایه در گردش شرکت‌های مباشر تأمین کالا (که در سقف افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی منظور نشده است، زیرا می‌بایست تا پایان سال پرداخت شود) باعث می‌شود که حجم بسیار زیادی از منابع مالی

بانکی در طول سال از دسترس بانک‌ها خارج شود. علاوه بر این، در اغلب موارد حجم رسوب تسهیلات فوق در پایان سال قابل توجه می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همانطور که گفته شد، طی سال‌های گذشته در اثر سیاست‌گذاری دولت در زمینه تسهیلات تکلیفی، عملاً استفاده‌کنندگان از منابع مالی به دو گروه متمایز تفکیک شده‌اند. سهم گروه مورد حمایت در تبصره‌های بودجه و قوانین خاص از کل تسهیلات به سرعت رو به افزایش بوده و در مقابل، طیف وسیعی از سرمایه‌گذاران و متقاضیان تسهیلات به تدریج با محدودیت‌های بیشتری از این نظر مواجه شده‌اند. این روند پیامدهای زیر را در سطح کلان اقتصاد کشور به دنبال داشته است:

۱- افزایش تسهیلات تکلیفی، به ویژه

○ در سال ۱۳۷۸، معادل ۴۱۴۷ میلیارد ریال از تسهیلات تبصره‌ای و غیر تبصره‌ای اعطایی به بخش‌های دولتی و غیر دولتی، معوق مانده است.

تسهیلات عظیم مربوط به شرکت‌های دولتی، موجب شده است که بخش عمده‌ای از منابع مالی کشور در چرخه محدودی جریان یابد و بخش بزرگی از جامعه از دسترسی به منابع مالی محروم شود، این در حالی است که حجم تسهیلات بانکی و نقدینگی با سرعتی فراتر از متقاضیان اقتصادی افزایش یافته است. به طور مثال، با آن که در سال ۱۳۷۸ مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش غیردولتی (بدون سود و درآمد سال‌های آتی) از ۳۷/۸ درصد و حجم نقدینگی از ۲۰/۱ درصد رشد برخوردار بوده است، بخش عمده‌ای از فعالان بخش خصوصی کمبود شدید نقدینگی را به عنوان عمده‌ترین مانع فعالیت خود عنوان کرده‌اند.

۲- به طور کلی، پرداخت تسهیلات

تکلیفی مصوب در قوانین بودجه، از دو منبع اصلی، یعنی افزایش سپرده‌ها و وصولی بانک‌ها از محل بازپرداخت تسهیلات گذشته قابل تأمین است. در این زمینه فرض بر آن است که همه ساله بخش قابل توجهی از تسهیلات گذشته بازپرداخت شده و می‌تواند پرداخت قسمت اعظم تسهیلات تکلیفی را تأمین کند، اما در

واقع، وضعیت بدین گونه نیست، به این معنی که قسمت عمده‌ای از تسهیلات غیر تبصره‌ای بانک‌ها را تسهیلات کوتاه مدت سرمایه در گردش مربوط به بنگاه‌های قدیمی و طرح‌های تکمیل شده قبلی تشکیل می‌دهد که امکان عدم تمدید این تسهیلات در سررسید وجود ندارد، زیرا نه تنها این مشتریان امکان بازپرداخت تسهیلات مذکور را ندارند، بلکه بازپس‌گیری آن موجب توقف تولید و زیان اقتصادی و ملاً تأثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد شد. لذا فقط آن بخش از تسهیلاتی که مربوط به سرمایه‌گذاری ثابت در طرح‌ها است، قابل برگشت به نظام بانکی است و این گونه وصولی‌ها پاسخگوی حجم عظیم تسهیلات تکلیفی نمی‌باشد. این امر موجب شده است که اولاً، زمینه عدول بانک‌ها از سقف‌های کلی اعتباری (در سال‌هایی که این سقف‌ها وجود داشته‌اند) فراهم شود؛ ثانیاً، این امر موجب شده است که اضافه برداشت بانک‌ها از حساب‌های خود نزد بانک مرکزی (یکی از منابع پایه پولی که باعث افزایش پول پر قدرت و نهایتاً نقدینگی می‌شود) به شدت افزایش یابد؛ ثالثاً، حجم قابل توجه تسهیلات تکلیفی موجب شده است که بانک‌ها عملاً نتوانند منابع لازم برای تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی بخش‌های غیر دولتی و غیر حمایتی را تأمین کنند. بدیهی است که این امر موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری‌های عظیم انجام شده در طرح‌های جدید عملاً بلااستفاده مانده و زیان اقتصادی فاحشی را به دنبال داشته باشد. این امر طبعاً اثرات منفی شدیدی بر رشد اقتصادی و اشتغال خواهد داشت.

با توجه به مشکلات اشاره شده در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، کل تبصره‌های تکلیفی بانک‌ها در قالب یک تبصره (تبصره ۳) در قانون بودجه مورد لحاظ واقع شد و افزایش سقف مانده تسهیلات تکلیفی بانک‌ها با رعایت سایر تکالیف مطرح در برنامه‌های توسعه تا سقف ۶۰۰۰ میلیارد ریال برای هر سال مجاز شد. اقدام فوق گام مؤثری در زمینه رفع مشکلات و عوارض ناشی از تسهیلات تکلیفی در رابطه با بانک‌ها به شمار می‌رود. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به مشکلات ناشی از تسهیلات تکلیفی سعی در کاهش آن داشته است. براساس بند «الف» ماده ۸۴ این قانون افزایش در مانده تسهیلات تکلیفی طی سال‌های

برنامه سوم سالانه به طور متوسط ۱۰ درصد نسبت به ارقام مصوب سال ۱۳۷۸ کاهش خواهد یافت. لغو سقفهای اعتباری و کاهش تسهیلات تکلیفی طی دو سال اخیر و طی سالهای آتی تا حدود قابل توجهی مشکلات ناشی از این امر را برای بانکهای تخصصی و تجاری تقلیل خواهد داد، اگر چه نظام بانکی تا سالهای متمادی با آثار زیانبار اثر تجمعی این تسهیلات دست به گریبان خواهد بود.

در این رابطه پیشنهاد می شود که برای جلوگیری از رشد بی رویه تسهیلات تکلیفی از طریق کانالهایی به غیر از قوانین بودجه، کلیه تسهیلات تکلیف شده فقط در تبصره ۳ قانون بودجه سنواتی متمرکز شده و خارج از این تبصره، اعطای تسهیلاتی به بانکها تکلیف نشود. در ضمن، اعتبارات مربوط به سرمایه در گردش شرکت های مباشر تأمین کالا که حجم بسیار سنگینی از منابع مالی بانکها را در طول سال مشغول می دارد و اغلب رسوبی این اعتبارات نیز قابل توجه می باشد، تعیین تکلیف شود. گذشته از موارد یاد شده، باید توجه داشت که مشکلات ناشی از فشار مالی دولت بر بانک مرکزی - چه به صورت استفاده مستقیم از تسهیلات بانک مرکزی یا از طریق برداشت از حساب ذخیره تعهدات و مطالبات ناشی از ماده ۶۲ قانون محاسبات - کماکان از مشکلات جدی بانک مرکزی با دولت خواهد بود. استمرار تسهیلات بانک مرکزی به دولت حول محورهای سه گانه ذکر شده مستقیماً ناشی از عدم تفکیک سیاست های مالی از سیاست های پولی می باشد. با توجه به این که وظیفه اصلی بانک مرکزی کنترل رشد عرضه پول و از این طریق، کنترل تورم و حفظ ثبات قیمت ها است، هر گونه تحول مثبتی در زمینه روشن شدن رابطه مالی بانک مرکزی با دولت می تواند بانک مرکزی را در انجام این وظیفه یاری کند.

منابع و مأخذ

- ۱- ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران/سالهای مختلف.
- ۲- جداول و آمار دریافتی از ادارات حسابداری کل و بودجه، اطلاعات بانکی، اعتبارات و نظارت بر امور بانکها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی

جمهوری اسلامی ایران.

- ۳- توانین برنامه اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران/۷۲-۷۳، ۷۸-۷۹، ۱۳۷۴-۷۵، ۸۳-۸۴/۱۳۷۹/ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۴- قوانین بودجه سنواتی/سالهای مختلف.
- ۵- نکاتی در مورد حساب ذخیره تعهدات ارزی/گزارش تهیه شده توسط خانم روبینا کشیش بسانوسی، محقق اداره بررسی های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

1- Wattleworth, Michael/Credit Subsidies in Budgetary Lending: Computation, Effects and Fiscal Implications, Occasional Paper Series/IMF/Pages: 59-60

ضمیمه شماره یک

متن تبصره ۳۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۹

الف - به منظور کمک به راه اندازی و گسترش کارخانجات و مراکز تولیدی و کشاورزی در جهت افزایش فعالیت های تولیدی کشور، بانک مرکزی ایران با توجه به سیاست های پولی کشور و با از طریق بانک های دیگر، از محل منابع خود و بنا از محل منابع بانک ها، اعتبارات لازم را در اختیار بانک های تخصصی و استانی برای امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و احداث مسکن و ساختمان به منظور اجرای طرح های سرمایه گذاری در زمینه های مذکور قرار خواهد داد. سازمان برنامه و بودجه مانده مطالبات ناشی از اجرای این تبصره برای هر سال را پس از اتمام بررسی های لازم، حداکثر ظرف پنج سال به پیشنهاد بانک مرکزی ایران در بودجه کل کشور منظور و به بانک مرکزی ایران پرداخت نماید.

ب - به سازمان برنامه و بودجه اجازه داده می شود عنداللزوم تمام یا قسمتی از کارمزد و یا سود تضمین شده این اعتبارات را تضمین و در بودجه سال بعد کل کشور منظور نماید.

پ - آیین نامه اجرایی این تبصره در مورد مبلغ، حد اعتبارات هر بخش، مدت و سایر شرایط اعتبارات مذکور در این تبصره، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، توسط بانک مرکزی ایران و سازمان برنامه و بودجه تهیه و به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.

ضمیمه شماره دو

روش اندازه گیری میزان یارانه (تفاوت میان نرخ سود تسهیلات تکلیفی با نرخ سود تسهیلات متعارف) (۱)

میزان یارانه آن دسته از تسهیلات تکلیفی را که نرخ سود آنها از نرخ سود تسهیلات با شرایط متعارف کمتر است، می توان با استفاده از روش زیر محاسبه کرد. چنانچه مبلغ اولیه تسهیلات برابر A با نرخ سود ادروند برای N سال پرداخت شود، قسط سالانه بازپرداخت این وام (P) برابر

$$P = A \left[\frac{i}{1 - \left[\frac{1}{(1+i)^N} \right]} \right]$$

اگر $1 - \left[\frac{1}{(1+i)^N} \right]$ با D_N بنامیم، آنگاه:

$$P = \frac{A}{D_N}$$

حال اگر نرخ سود تسهیلات تکلیفی i^* درصد باشد و $i^* < i$ آنگاه قسط سالانه این تسهیلات برابر است با:

$$P^* = A \left[\frac{i^*}{1 - \left[\frac{1}{(1+i^*)^N} \right]} \right] = \frac{A}{D_N^*}$$

در نتیجه، یارانه اعطایی در رابطه با این تسهیلات برابر است با:

$$S = P - P^* = A \left[\frac{1}{D_N} - \frac{1}{D_N^*} \right]$$

از آنجا که S برابر اختلاف اقساط سالانه در طول N سال است، پس برای محاسبه کل یارانه (Δ) باید در D_N ضرب شود.

$$\Delta = S \cdot D_N = A \left[1 - \frac{D_N}{D_N^*} \right]$$

حال، اگر تسهیلات با نرخ سود تسهیلات متعارف اعطا شود، آنگاه درصد یارانه برابر صفر و اگر با نرخ سود تسهیلات متعارف اعطا شود، آنگاه درصد یارانه برابر ۱۰۰ درصد است. تسهیلاتی که با نرخ سود میان این دو حد پرداخت می شوند، درصد یارانه شان بین صفر تا صد درصد است.